

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسات گذشته

در جلسه گذشته، سه اجماع در دلیل نظریه مواسعه بررسی شد که دو مورد آن از جانب جعفری و واسطی بود. صاحب جواهر اجماع جعفری را به معنای پذیرش فتاوی اجماعی دانسته، اما استاد با تبعیت از شیخ انصاری این برداشت را نادرست شمردند و تأکید کردند که عبارت جعفری تنها بر اجماع بر صدور روایات دلالت دارد، نه فتاوی اجماعی. در مورد اجماع واسطی، صاحب جواهر آن را دلیل بر عدم وجوب عدول دانسته، اما استاد مجدداً تصریح کردند که این اجماع نیز صرفاً بر پذیرش روایت دلالت دارد. بنابراین، هر دو اجماع مذکور، نه به عنوان اجماع فتوایی، بلکه صرفاً در تأیید صدور روایات معصومین قابل استنادند.

سومین اجماع در سخن مرحوم محقق حلی در کتاب المعتبر مطرح شده است. وی برای تأیید نظریه مواسعه، به لوازم غیرمعقول قول به مضایقه اشاره کرده و سیره مسلمین را شاهی بر عدم وجوب فوریت در قضای نمازها دانسته است. اما مرحوم شیخ انصاری این استدلال را رد کرده و تأکید می‌کند که سیره مسلمین همیشه ناشی از دقت در احکام شرعی نیست و نمی‌توان آن را مبنای استنباط قرار داد. درحالی‌که فقهای قدیمی مانند صاحب جواهر به سیره متشرعه اعتماد داشتند، از زمان شیخ انصاری به بعد در حجیت آن تردیدهایی ایجاد شده است.

سیره متشرعه به عنوان دلیل حکم شرعی

سیره متشرعه یکی از ادله‌ای است که فقها در فقه بدان استناد می‌کنند. به عنوان نمونه، در مسأله حرمت حلق لویه، هرچند روایتی نیز در این باب وارد شده، اما ظهور روشنی در دلالت بر حرمت ندارد، و لذا بسیاری از فقها به سیره متشرعه تمسک کرده‌اند. نمونه دیگر، الفاظ جاریه در عقد نکاح و طلاق است، به این معنا که سیره مستمره مسلمین همواره بر این بوده که در نکاح و طلاق از الفاظ خاصی استفاده کرده‌اند، و از همین راه می‌توان در صحت نکاح معاطاتی خدشه وارد کرد.

تعریف سیره متشرعه در بیان حضرت استاد

سیره متشرعه به عملی اطلاق می‌شود که اولاً از سوی متدینین انجام شده باشد، ثانیاً این عمل ناشی از تدین و تشرع آنان باشد، و ثالثاً در حضور معصوم (علیه‌السلام) واقع شده، بدون اینکه ردی از جانب ایشان صورت گیرد. اعتبار این سیره مشروط به آن است که منشأ آن تدین باشد، نه صرفاً عادات اجتماعی یا بنای عقلا. چنین سیره‌ای، در صورت احراز این ویژگی‌ها، کاشفیت قطعی از تأیید معصوم (علیه‌السلام) داشته و در استنباط احکام فقهی می‌توان به آن استناد کرد.

شرایط اعتبار سیره در استنباط احکام

1. منشأ شرعی داشتن

گاهی سیره متشرعه ناشی از عادات اجتماعی و غیر دینی مردم است، مثلاً اگر در عصر معصوم (علیه‌السلام) در بیع از صیغه «بعْتُک» و «اشتریتُ» استفاده می‌شد، ممکن است این امر صرفاً ناشی از عادات آنان باشد، نه الزاماً از باب تدین. همچنین، اگر منشأ یک سیره، بنای عقلا باشد، نمی‌توان آن را به عنوان سیره متشرعه معتبر دانست، بلکه باید در قالب بحث بنای عقلا

بررسی شود. از این رو، تمسک به سیره در استنباط احکام، مشروط به آن است که ناشی از تدین و تحت تأیید معصوم (علیه السلام) باشد.

2. عدم نشأت گیری از عقل و دلیل خاص

همچنین سیره گاهی ناشی از یک حکم عقلی محض است که در این صورت نیز حجیت ندارد، زیرا باید معیار و ملاک آن حکم عقلی بررسی شود. مقصود از سیره، عملی است که از متشرعه صادر شده و ناشی از تدین آنان باشد. به عنوان نمونه، در مسأله حلق لویه، اگر بتوان اثبات کرد که ترک حلق لویه در میان مسلمین ناشی از تدین و نه صرفاً عادت اجتماعی آنان بوده است، می توان به آن استناد کرد. اما در صورتی که این سیره برخاسته از عادات اجتماعی، نظیر عادات عرب در آن عصر، باشد، دیگر حجیت نخواهد داشت.

3. نفی احتمال تبانی، اشتباه و غفلت

در بحث سیره متشرعه، منظور از آن عملی است که اکثر متدینین به دلیل تدین و تشرع خود انجام داده اند و نه به دلیل توافق یا تبانی فردی، بلکه به دلیل گفتار معصوم (علیه السلام). بنابراین، این سیره در حقیقت کشف قطعی از فرمان معصوم است؛ چرا که شواهد تاریخی ۲۵۰ سال عصر معصومین نشان می دهد که مسلمانان به استناد دستور ایشان، این عمل را به طور یکپارچه انجام داده اند و احتمال اشتباه یا غفلت بسیار اندک است. در حالی که در سیره عقلانی شرط اصلی عدم صدور ردع از سوی شارع مطرح است.

4. در مرأی و منظر معصوم بودن

در سیره عقلانی، شرط اصلی این است که شارع از عمل مورد نظر ردعی صادر نکرده باشد؛ اما در سیره متشرعه و در میان مسلمین، لازم است عمل به صورت آشکار و در حضور معصوم (علیه السلام) انجام شده باشد. از این رو، سیره متشرعه در زمان حاضر تنها زمانی به کار می آید که به زمان معصوم برگشته باشد؛ چرا که تأکید بر «به مرأی و منظر معصوم» نشانگر آن است که این عمل مستقیماً از قول معصوم نشأت گرفته است.

همچنین در بنای عقلا معیار اصلی عدم صدور ردع از طرف شارع است؛ اما در سیره متشرعه، مسئله عدم ردع در معنای سیره متشرعه نهفته است، یعنی امام (علیه السلام) خود فرموده اند که مردم این عمل را انجام می دهند. بنابراین، تفاوت اساسی بین بنای عقلا و سیره متشرعه در این است که در بنای عقلا، فقها به اتفاق نظر عقلا در عملی دست می یابند، در حالی که در سیره متشرعه، عمل به صراحت از سوی معصوم (علیه السلام) در میان متدینین عرضه و تأیید شده است که این امر، معیار حجیت آن را روشن می سازد. [1]

ملاک حجیت سیره متشرعه

آنچه ملاک حجیت سیره است، همان ملاک حجیت اجماع است، زیرا در اجماع، کاشفیت از قول معصوم (علیه السلام) وجود دارد، و در سیره نیز همین کشف حاصل می شود. بلکه چه بسا در برخی موارد، سیره از اجماع نیز اقوی باشد، زیرا در اجماع، قول معصوم از طریق حدس به دست می آید، اما در سیره، این کشف به نحو حسی حاصل می شود، بدین معنا که وقتی در مرأی و منظر معصوم (علیه السلام)، مردم به انجام عملی استمرار دارند و معصوم ردعی از آن ندارد، کاشف از امضای معصوم و مطابقت این سیره با رأی ایشان است.

به عنوان نمونه، در باب الفاظ نکاح و طلاق، بعید نیست بتوان چنین سیره ای را ادعا کرد، زیرا استمرار مسلمین بر استفاده از الفاظ در این ابواب، ناشی از تشرع آنان بوده و کاشف از امضای معصوم (علیه السلام) است. از این رو، سیره در چنین مواردی نه تنها در حکم اجماع است، بلکه می توان آن را حجتی قوی تر دانست، زیرا کشف آن از رأی معصوم به نحو حسی بوده و جای هیچ گونه حدس و ظن در آن نیست.

همچنین تفاوت بین سیره متشرعه و سیره عقلائی نیز نباید نادیده گرفته شود. سیره عقلائی ناشی از توافق عقلاست، چرا که آنان در امور روزمره بر خبر ثقة اعتماد می‌کنند و این امر منجر به ایجاد بنایی عقلائی می‌شود؛ به همین دلیل در باب خبر واحد، بزرگان همچون امام رضوان الله تعالی علیه، ادله خاصه مبتنی بر خبر واحد را خدشه‌دار دانسته و تأکید می‌کنند که مهم‌ترین دلیل، بناء عقلاء است. در مقابل، سیره متشرعه یک بنای شرعی است، به این معنا که چون مسلمین به موجب تشرع عمل کرده‌اند، اگر برای ما محرز شود که این عمل به علت متشرع بودن انجام شده، حجیت سیره مسلم است.

چگونگی مواجهه فقها با سیره متشرعه

در میان قدما، سیره به‌عنوان دلیلی محکم و قابل قبول شناخته می‌شده است؛ تا به زمان صاحب جواهر که ایشان نیز سیره را پذیرفته و در بحث‌های خود به آن تمسک نموده‌اند. اما شیخ اعظم انصاری بیان می‌دارند که سیره متشرعه اغلب ناشی از قلة مبالات در دین است؛ یعنی مردم، به علت نادیده گرفتن وظایف دینی، وارد امور مباح می‌شوند و از ادای حقوق ذممشان کوتاهی می‌کنند. ایشان تأکید می‌کنند که اگر در مواردی مانند دیونی که باید بلافاصله و پیش از نماز واجب ادا شوند یا ادای دین مقرر باشد، عمل مورد نظر از قلة مبالات ناشی شود.[2]

نظر حضرت استاد در مورد حجیت سیره متشرعه بر مواسعه

اشکال مرحوم شیخ، صغروی است و اشکال کبروی مطرح نمی‌کند؛ به این معنا که اگر سیره‌ای ناشی از تدین واقعی مردم باشد، شیخ نیز با آن مخالفت نمی‌کند. اما هرگاه این احتمال وجود داشته باشد که منشأ این سیره، قلة مبالات و عدم اهتمام مردم به وظایف دینیشان باشد، (مانند سیره مردم در تاخیر پرداخت دیون حال) در چنین مواردی حق با شیخ است و نقد وارد می‌شود. و این موارد را نمی‌توان سیره متشرعه قابل احتجاج دانست؛ زیرا سیره متشرعه قابل احتجاج به عنوان دلیل نباید بر اساس عادات افراد، بلکه می‌بایست بر مبنای تدین و تأیید معصوم (علیه‌السلام) باشد.

بحث ما با مرحوم شیخ این است که اگرچه در برخی موارد سیره مردم ناشی از عدم مبالات در دین است، اما در مورد این مساله نیز اینگونه نیست، زیرا آنچه می‌بینیم این است که هرچند مردم نماز قضا بر زمه دارند، اما در انجام امور روزمره کوتاهی نمی‌کنند؛ بنابراین نمی‌توان گفت که این سیره ناشی از عدم مبالات است. به عبارت دیگر اشکال ما به مرحوم شیخ در ما نحن فیه، این است که مجرد احتمال، به خودی خود نمی‌تواند مسئله را خدشه‌دار کند.

بنابراین همان‌گونه که صاحب جواهر بر وجود سیره در این مورد تأکید داشته‌اند، ما نیز بر این مطلب تأکید می‌کنیم. در طول ۲۵۰ سال در زمان ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، مسلمین نمازهای قضایشان را با تأخیر ادا می‌کردند؛ در حالی که از سوی ائمه معصوم نیز به این وضعیت اعتراض و انتقادی وارد نشده است. این امر نشان می‌دهد که سیره متشرعه به عنوان یک عمل تثبیت‌شده، بر اساس فرمان معصوم، در میان مردم وجود داشته و مورد تأیید شرع نیز قرار گرفته است.

نظر حضرت استاد در مورد تحقق اجماع بر مواسعه

در بررسی اقوال مطرح شده در مواسعه و مضایقه، مشاهده شد که حدوداً ۱۵ نفر از علما، عمدتاً از قدما، قائل به مواسعه بودند؛ در حالی که علمای دیگری چون ابن جنید، ابن عقیل، سید مرتضی، سید ابن زهره، قاضی بن براج و حلی، تمایل به مضایقه داشتند. از این اختلاف نتیجه می‌گیریم که شهرت قدمایی‌ای در مورد مواسعه وجود دارد؛ اما به دلیل حضور مخالفین، نمی‌توان در اینجا اجماع مصطلح را مطرح نمود.

بر این اساس، همان‌گونه که در بحث‌های گذشته نیز تأکید شده، تنها یک شهرت قدمایی در مورد مواسعه قابل پذیرش است، لذا اگرچه صاحب جواهر، در بحث خود، به اجماع اشاره کرده؛ اما به عقیده‌ی ما، شهرت محققه بر مواسعه موجود است، نه اجماع مصطلح، که البته این شهرت با سیره متشرعه بر مواسعه همراه است.

پاورقی

[1] با این بیان حضرت استاد، یکی دیگر از کارکرد های سیره متشرعه ظاهر می شود، به این بیان که اگر سیره متشرعه در انجام یک عمل ثابت شود، نه تنها جواز عمل بلکه رجحان عمل ثابت می شود، در حالی که اگر منشأ سیره، بدون منشأ شرعی باشد، با عدم ردع شارع صرفاً اباحه به معنی الاعم برای عمل ثابت می شود.

[2] و أمّا كلام المحقّق فمرجعها إلى دعوى سيرة المسلمين، و هي غير معلومة على وجه يجدي في المقام، مع احتمال كونها ناشئة عن قلة مبالغتهم في الدين، و لذا تراهم يشتغلون بما ذكر من المباحات من اشتغال ذمهم بحقوق من يطالبهم مستعجلاً - و لو بشاهد الحال، كمستحقّي الصدقات الواجبة - و مع اشتغال ذمهم بحقوق الله الفوريّة، كتعلّم العلم و اكتساب الأخلاق الجميلة و دفع الأخلاق الرذيلة، و تراهم يعاملون - ببيعاً و شراءً - مع الأطفال الغير المميّزة و المجانين، و لا يجتنّبون عن النظر إلى غير المحارم زائداً على الوجه و الكفّين، كالشعر و الزند و الرجل إلى غير ذلك ممّا يطول الكلام بذكره. (انصاری، مرتضی بن محمد امين، «رسائل فقهية (انصاری)»، ص 325).

منابع

انصاری، مرتضی بن محمد امين، رسائل فقهية (انصاری)، 1 ج، قم - ایران، مجمع الفكر الإسلامي، 1414.